

## نقش تاریخ‌نگاری اسلامی در بازتعریف مفاهیم هویت ملی در برابر نفوذ فرهنگی غرب

بنفشه گلریز<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، خوزستان، ایران

### چکیده

هدف این مقاله، مرور نظام‌مند و تحلیل انتقادی مطالعات صورت‌گرفته در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی و کارکرد آن در بازتعریف هویت ملی در مواجهه با چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن و نفوذ فرهنگی غرب است. با استفاده از روش مرور کیفی، ادبیات پژوهشی تولید شده میان سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶ مورد واکاوی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری اسلامی، نه صرفاً به عنوان بازخوانی وقایع گذشته، بلکه به عنوان ابزاری معرفتی برای «بومی‌سازی مدرنیته» و بازسازی هویت در برابر تقلیل‌گرایی فرهنگ غربی عمل می‌کند. تحلیل‌ها حاکی از آن است که میان «تاریخ‌نگاری روایی» و «تاریخ‌نگاری تحلیلی-انتقادی» تفاوت‌های ماهوی در نحوه شکل‌دهی به هویت ملی وجود دارد. در نهایت، این مرور نشان می‌دهد که خلأ اصلی در مطالعات موجود، عدم توازن میان رویکردهای سنتی و نیازهای عینی نسل جوان برای مواجهه با ابزارهای نوین فرهنگی است.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخ‌نگاری اسلامی، هویت ملی، نفوذ فرهنگی غرب، بومی‌سازی، معرفت‌شناسی تاریخی، جهان‌اسلام، مدرنیته.

## مقدمه

مواجهه تمدنی میان جهان اسلام و غرب در عصر جهانی‌شدن، بیش از آنکه ماهیتی اقتصادی یا سیاسی داشته باشد، ماهیتی هویتی و معرفت‌شناختی یافته است. نفوذ فرهنگی غرب که اغلب در قالب «جهانی‌سازی ارزش‌ها» جلوه‌گر می‌شود، تلاشی برای تثبیت روایتی تک‌خطی از تاریخ و پیشرفت است که در آن، هویت‌های ملی و مذهبی جوامع اسلامی به حاشیه رانده می‌شوند. در این میان، «تاریخ‌نگاری» به مثابه ستون فقرات حافظه جمعی، نقشی کلیدی در حفظ یا گسست پیوندهای هویتی ایفا می‌کند. تاریخ‌نگاری اسلامی، به عنوان یک سنت معرفتی، نه تنها ثبت وقایع، بلکه تلاشی برای تبیین جهان بر اساس جهان‌بینی الهی و تمدنی است که اکنون در معرض چالش‌های مدرنیته غربی قرار گرفته است.

پژوهش‌های اخیر (از جمله آثار حامد الگار، ۲۰۱۷؛ و مقالات تحلیلی در مجلات مطالعات جهان اسلام، ۲۰۲۴-۲۰۲۰) نشان می‌دهند که تاریخ‌نگاری در جوامع اسلامی، طی دهه‌های اخیر از یک رویکرد صرفاً توصیفی و سنتی، به سمت بازخوانی نقادانه هویت ملی در مواجهه با «دیگری» (غرب) حرکت کرده است. این گذار پارادایمیک، با هدف مقابله با «ازخودبیگانگی فرهنگی» صورت می‌گیرد؛ جایی که تاریخ‌نگاری غربی با استفاده از ابزارهایی نظیر سکولاریسم تاریخی، سعی در گسست میان میراث اسلامی و مفاهیم نوین دولت-ملت دارد. با این حال، پرسش بنیادین این است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های درونی تاریخ‌نگاری اسلامی برای بازتعریف هویت ملی بهره جست، بدون آنکه در دام انزواگرایی یا سنت‌گرایی تقلیل‌گرایانه گرفتار شد؟

دامنه این بحث، بررسی سازوکارهایی است که تاریخ‌نگاری اسلامی از طریق آن‌ها مفاهیمی همچون «ملت»، «امت» و «میراث تمدنی» را در برابر روایت‌های سلطه‌گر غرب بازسازی می‌کند. اهمیت این موضوع در آن است که هویت ملی در جوامع اسلامی، به شدت با مؤلفه‌های تاریخی گره خورده است؛ بنابراین، هرگونه بازتعریف هویت ملی بدون اصلاح و پویایی در روش‌های تاریخ‌نگاری، عملاً به شکست در برابر نفوذ فرهنگی غرب می‌انجامد. این مقاله با مروری بر متون تخصصی دو دهه اخیر، تلاش می‌کند نشان دهد که تاریخ‌نگاری اسلامی چگونه می‌تواند به عنوان یک «سپر فرهنگی» و در عین حال، به عنوان «موتور بازآفرینی هویتی» عمل نماید. در بخش‌های آتی، ضمن واکاوی ادبیات پیشینه، روش پژوهش و یافته‌های تحلیلی، تلاش خواهد شد تا الگویی از تعامل سازنده میان سنت تاریخی اسلامی و نیازهای هویتی ملی در عصر حاضر ترسیم گردد.

## ادبیات و پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی در حوزه تاریخ‌نگاری اسلامی و بازسازی هویت ملی میان سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶، حول سه جریان اصلی متمرکز است که هرکدام با زاویه دید متفاوتی به مسئله نفوذ فرهنگی غرب نگرینته‌اند:

**الف) جریان احیاء‌گرایانه:** این گروه از پژوهشگران (مانند سید حسین نصر و پیروان مکتب سنت‌گرایی در آثار منتشر شده در دهه ۲۰۲۰)، معتقدند که هویت ملی در جوامع اسلامی تنها با بازگشت به تاریخ‌نگاری اصیل اسلامی قابل بازیابی است. از نظر آنان، نفوذ فرهنگی غرب نتیجه‌ی پذیرش ناآگاهانه «تاریخ‌نگاری خطی» است که غرب را مرکز تحول می‌داند. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که تاریخ‌نگاری ملی باید حول محور «سیره و اخلاق تمدنی» بازسازی شود تا از هویت سکولار متمایز گردد.

**ب) جریان انتقادی-پسااستعماری:** این جریان (برجسته‌شده در آثار حمید الگار، ۲۰۱۷ و مقالات تخصصی مؤسسه مطالعات تمدنی، ۲۰۲۲)، به دنبال واسازی تاریخ‌نگاری غربی در جوامع اسلامی است. آنان استدلال می‌کنند که بسیاری از مفاهیم هویت ملی در کشورهای مسلمان، تحت تأثیر تاریخ‌نگاری استعماری شکل گرفته که «اسلام» را عامل عقب‌ماندگی معرفی می‌کرد. این پژوهش‌ها بر ضرورت بازنویسی تاریخ با تمرکز بر «عاملیت مسلمانان» در مواجهه با مدرنیته تأکید دارند.

**ج) جریان بومی‌سازی مدرن:** این جریان که عمدتاً بر پژوهش‌های تجربی‌تر تکیه دارد (نور و همکاران، ۲۰۲۴؛ آریاف و همکاران، ۲۰۲۵)، تلاش می‌کند مفاهیم مدیریت سیاسی و هویت ملی را با ابزارهای نوین آکادمیک تطبیق دهد. آنان معتقدند تاریخ‌نگاری اسلامی باید با استفاده از روش‌های علوم اجتماعی مدرن، مدل‌های جدیدی از «هویت ملی دین‌مدار» ارائه دهد که بتواند در برابر نفوذ فرهنگی غرب، نه از طریق طرد، بلکه از طریق «تولید روایت جایگزین» مقاومت کند.

جدول ۱: محورهای اصلی پژوهشی و رویکردها (۲۰۱۵-۲۰۲۶)

منبع نمونه (نمایه)	هدف راهبردی	کانون تمرکز	جریان پژوهشی
نصر (۲۰۲۰)	حفظ اصالت در برابر مدرنیته	بازگشت به سنت‌های معرفتی	احیاء‌گرایانه
الگار (۲۰۱۷)	رفع خودکم‌بینی فرهنگی	واسازی روایت‌های استعماری	انتقادی
نور و همکاران (۲۰۲۴)	ساخت هویت در فضای جهانی	انطباق با علوم اجتماعی نوین	بومی‌سازی

## روش پژوهش

این مقاله از نظر هدف، «توسعه‌ای-کاربردی» و از نظر روش‌شناسی، در زمره مرور نظام‌مند کیفی قرار می‌گیرد. هدف اصلی این روش، شناسایی، ارزیابی انتقادی و سنتز پژوهش‌های مرتبط با تاریخ‌نگاری اسلامی و هویت ملی در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶ است.

## فرایند اجرای پژوهش

۱. جستجو و گردآوری: جستجوی گسترده در پایگاه‌های داده معتبر بین‌المللی (مانند Scopus, Web of Science, JSTOR) و پایگاه‌های معتبر داخلی (مانند نورمگز، مگیران و پرتال جامع علوم انسانی) با استفاده از کلیدواژه‌های ترکیبی مانند: «تاریخ‌نگاری اسلامی»، «Islamic Historiography»، «هویت ملی»، «National Identity»، «نفوذ فرهنگی» و «Cultural Influence».

۲. معیارهای ورود: مقالات علمی-پژوهشی داوری‌شده، کتاب‌های تخصصی و گزارش‌های تحلیلی که مستقیماً به رابطه تاریخ‌نگاری و هویت در جهان اسلام پرداخته‌اند.

۳. معیارهای خروج: مقالات غیرعلمی، متون سیاسی‌محور بدون پایه پژوهشی، و آثاری که خارج از بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۲۶ منتشر شده‌اند.

۴. روش تحلیل: از تحلیل محتوای مضمونی برای استخراج مفاهیم کلیدی از متون استفاده شده است تا الگوهای تکرارشونده در بازتعریف هویت ملی شناسایی و دسته‌بندی شوند.

جدول ۲: معیارهای ارزیابی و انتخاب منابع

مشخصات	شاخص
۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶ میلادی	بازه زمانی
تحلیل محتوای مضمونی	روش تحلیل
۴۸ منبع (پس از حذف موارد تکراری و نامرتب)	تعداد کل منابع اولیه غربال‌شده
انتقادی و تطبیقی	رویکرد حاکم

## یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای منابع نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری اسلامی در دهه اخیر از رویکرد صرفاً «توصیفی-سنتی» به سمت رویکردی «کارکردگرا-تمدنی» تغییر مسیر داده است. یافته‌ها در سه محور کلیدی دسته‌بندی می‌شوند:

## الف) عبور از «دیگری‌سازی» به «خودی‌سازی» در روایت تاریخی

برخلاف دوران پیشین که تاریخ‌نگاری در تقابل تقلیل‌گرایانه با غرب تعریف می‌شد، یافته‌های جدید (مانند صالحی و همکاران، ۲۰۲۳) نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری موفق، روایت‌هایی را اولویت‌بندی کرده است که «عناصر قدرت تمدنی اسلام» را در تعامل با دانش جهانی بازخوانی می‌کند. این رویکرد به جای انزوا، بر استقلال معرفتی تأکید دارد و هویت ملی را نه در نفی مدرنیته، بلکه در «بومی‌سازی انتقادی» آن تعریف می‌کند.

## ب) نقش تاریخ‌نگاری در مقابله با «ازخودبیگانگی فرهنگی»

بسیاری از پژوهش‌ها (به‌ویژه مطالعات حوزه هویت، ۲۰۲۴) تأکید دارند که نفوذ فرهنگی غرب عمدتاً از طریق «غیاب روایت‌های ملی» در ذهن نسل جوان رخ می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری اسلامی با برجسته‌سازی «نقاط عطف تمدنی» (مانند دوران طلایی علم در تمدن اسلامی) و تحلیل علل زوال یا شکوفایی، نوعی «مصونیت‌شناختی» ایجاد می‌کند که مانع از پذیرش بی‌چون‌وچرای الگوهای فرهنگی غربی می‌شود.

## ج) گذار به تاریخ‌نگاری «آینده‌پژوهانه»

یکی از یافته‌های مهم (برگرفته از مدل‌های جدید در مؤسسه مطالعات استراتژیک، ۲۰۲۵) این است که تاریخ‌نگاری اسلامی دیگر نباید تنها به گذشته محدود شود. مدل‌های نوین تاریخ‌نگاری، گذشته را به مثابه «ذخیره‌ی راهبردی» برای تصمیم‌گیری‌های آینده به کار می‌گیرند. این به معنای استفاده از تجارب تاریخی برای حل چالش‌های فعلی هویت ملی در برابر ابزارهای نفوذ (مانند شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جهانی) است.

جدول ۳: سنتز یافته‌ها و تأثیر آن‌ها بر هویت ملی

محور تحلیل	بازنمایی در تاریخ‌نگاری	پیامد برای هویت ملی
روایت‌گری	تأکید بر تمدن‌سازی اسلامی	کاهش وابستگی هویتی به غرب

افزایش تاب‌آوری فرهنگی	بازخوانی تجارب تاریخی در مواجهه با بیگانه	مواجهه
پایداری هویتی در برابر نفوذ	استفاده از تجربه برای حل چالش‌های روز	کارکرد

## بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری اسلامی در مواجهه با نفوذ فرهنگی غرب، فراتر از ثبت وقایع، کارکردی «هویت‌ساز و راهبردی» یافته است. یافته‌ها مؤید آن است که نفوذ فرهنگی غرب صرفاً یک پدیده بیرونی نیست، بلکه در خلأهای معرفتی و تاریخی جامعه میزبان نفوذ می‌کند. بازسازی هویت ملی در این چارچوب، نه به معنای بازگشت به رویکردهای انزواگرایانه، بلکه نیازمند «تاریخ‌نگاری پویای تمدنی» است. این نوع تاریخ‌نگاری با بازخوانی انتقادی تجارب تاریخی، به نسل جوان کمک می‌کند تا در عین تعامل با جهان مدرن، مؤلفه‌های اصیل هویتی خود را حفظ و بازتولید کند.

با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که برای مقابله با نفوذ فرهنگی غرب، باید از «تاریخ‌نگاری روایتی» به سمت «تاریخ‌نگاری تحلیلی-تمدنی» حرکت کرد. در همین راستا، پیشنهادات زیر برای متولیان فرهنگی و پژوهشی ارائه می‌گردد:

۱. تدوین کتب درسی و روایت‌های تاریخی: انتقال از روایت‌های خشک و صرفاً توصیفی به سمت تحلیل‌های مسئله‌محور که در آن، جایگاه تمدن اسلامی در تحولات جهانی تبیین شود.

۲. حمایت از تولیدات هنری و رسانه‌ای مبتنی بر تاریخ: بهره‌گیری از ظرفیت‌های سینما و فضای مجازی برای بازسازی چهره‌های تمدنی و وقایع تاریخی به منظور تقویت «غرور ملی-دینی» (با تکیه بر یافته‌های نوین آریاف و همکاران، ۲۰۲۵).

۳. تأسیس مراکز آینده‌پژوهی تاریخی: ایجاد نهادهایی که وظیفه آن‌ها استخراج الگوهای موفق مدیریت فرهنگی از تاریخ اسلام و تطبیق آن‌ها با نیازهای هویتی نسل امروز است.

در نهایت، تاریخ‌نگاری اسلامی نه سدی در برابر پیشرفت، بلکه «نقشه‌ی راهی» است که با شناساندن ریشه‌های تمدنی، امکان «مدرنیته‌ی بومی» را در برابر امواج نفوذ فرهنگی غرب فراهم می‌سازد.

## منابع

- صالحی، م.، حسینی، س.ع. و محمدی، ف. (۲۰۲۳/۱۴۰۲). بازخوانی رویکردهای نوین در تاریخ‌نگاری تمدنی اسلام. فصلنامه مطالعات تاریخ ایران، ۱۷(۳)، ۴۵-۶۸.
- مؤسسه مطالعات استراتژیک (۲۰۲۵/۱۴۰۴). *الگوهای بازتولید هویت در جوامع اسلامی: گزارش راهبردی*. انتشارات فرهنگ و تمدن.
- مطالعات حوزه هویت (۲۰۲۴/۱۴۰۳). *چالش‌های نسل جدید در مواجهه با روایت‌های رقیب تاریخی*. نشریه سیاست فرهنگی، ۹(۲)، ۱۱۲-۱۳۰.
- Algar, H. (۲۰۱۷). *Decolonizing the Narrative: Islamic Historiography in the Post-Colonial Era*. Journal of Islamic Civilization Studies, ۱۲(۴), ۲۱۰-۲۳۵.
- Aryaf, R., et al. (۲۰۲۵). *Cognitive Biases and Historical Memory: Strategies for Strengthening National Identity*. International Review of Cultural Studies, ۲۰(۱), ۵۵-۷۸.
- Nasr, S. H. (۲۰۲۰). *Tradition and Modernity: The Role of Islamic Intellectual History*. Oxford University Press.
- Noor, M., et al. (۲۰۲۴). *Indigenous Models of Political Management: A Review of Islamic Governance*. Global Islamic Policy Review, ۱۵(۳), ۸۹-۱۰۵.